

پدافند هوایی خط مقدم دفاع از موجودیت کشور

صفحه ۲

دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ | ۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ | ۴ سپتامبر ۲۰۱۷ | سال نهم | شماره ۲۴۹ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان



کره شمالی بمب هیدروژنی آزمایش کرد

صفحه ۱۵

Vol.09 | No.2249 | Mon.Sep.04, 2017 | ISSN:2008-2886

تئیه‌های امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با میلاد عرفان پور درباره سال‌های شاعری و آخرین کتاب شعرش

«راهبندان» حاصل خلوت من در ترافیک تهران

با گفتاری از: سیدوحید سمنانی
رضا وحیدزاده، علی داودی، رضا اسماعیلی



صفحه ۱۲

بررسی سیاست‌های کاهش نرخ سود بانک مرکزی در گفت‌وگوی «وطن امروز» با کارشناسان

دستوری که تبعات دارد!

صفحه ۲

«وطن امروز» از آخرین وضعیت بازار گزارش می‌دهد

کاهش سود بانکی صعود طلا!

صفحه ۳

دیدگاه

هلو، هوو، هیلی

سمیرا کریمشاهی

به یاد دارم آن ایامی که برجام نوجوان، تازه متولد شده بود و تاریخ را به احترام امام‌ی ظریف سرپا نگه داشتند، از مردم بالاشهر که به یمن قدم مبارک این نوزاد جشن و سرور به راه انداختند می‌پرسیدیم آیا توافقنامه را خوانده‌اید؟ می‌گفتند توافق کرده‌ایم در حد «هلو». خواندن نمی‌خواهد. آنقدر دولتمردان برجام را به تقدیس نزدیک کرده بودند که انتظار مردم از خود رئیس‌جمهوری که برجام را سبب و گلابی می‌دانست بالاتر رفته بود و به چشم هلو آن می‌نگریستند.

چند ماه پیش دکتر روحانی به برجام جان بخشید و آن را به نوزادی تشبیه کرد که «هوو»-هایی بارها به قصد کشتنش تصمیم گرفتند.

بگذریم که هوو دانستن ترامپ و دولت جدید آمریکا به در گفتنی بود تا دیوارهای داخلی مورد طعنه رئیس‌جمهور قرار بگیرند که شما منتقدان هم قصد جان فرزندانمان را کرده‌اید اما این هووها و دولت بدسرپرست ترامپ هر بار دارند در دسری جدید برای مادر دلشور ایرانی‌ها برجام ایجاد می‌کنند. گستاخی آمریکایی‌ها برای بازدید از مراکز نظامی ایران، قسمت جدیدی از سریال (زیاده‌خواهی‌های آنهاست که با عهده‌شکنی‌های مکرر و تحریم چندباره ایران شروع شده و دیدار نیکی هیلی با یوکیا امانو استراتژی جدید در ادامه روندی است که آمریکایی‌ها در پیش گرفته‌اند.

نیکی هیلی یکی از همان هووهای آمریکایی در دولت ترامپ است که برای خوردن هلو برجام عزمش را جزم کرده است.

کاخ سفید که با نقض مکرر برجام شاهد انفعال مقامات ایرانی در قبال اقدامات خود بوده است این بار دندان خود را برای بلعیدن لقمه‌ای بزرگ‌تر تیز کرده است که با یک تیر بازدید مراکز نظامی به ۲ نشان برجام و مسائل نظامی ایران در منطقه و قدرت موشکی آن بزند. درباره دست‌اندازی آمریکا به مساله موشکی ایران باید گفت علاقه دولت یازدهم به مذاکره درباره مسائل مختلف و مورد اختلاف با آمریکا موضوعی بود که بارها توسط مسوولان کشورمان بویژه شخص رئیس‌جمهور مطرح شد. برجام منطقه‌ای و اصطلاحات دیگر پالس‌هایی بوده که از ایران به آمریکا فرستاده شده است اکنون با توجه به اوضاع منطقه که به کام آمریکا و متحدانش نیست و ...

ادامه در صفحه ۵

واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه به اخبار مربوط به سفر آتی هیأت دیپلماتیک عربستان به ایران:

غرامت به سعودی مطرح نیست

صفحه ۲



تکس ایران هم‌جودی وطن امروز

ریشه‌های قطور ژن‌های خوب به کجا وصل است؟

حسن رضایی

شماری از افراد چپ آن روز نیز دعوت به عمل آورد. کارگزاران در واقع نتیجه تمایل ژن‌های خوب برای بقای مادام‌العمر در قدرت بود. آنها حتی در مقطعی زمزمه تغییر قانون اساسی برای امکان شرکت سبانه مرحوم هاشمی در انتخابات ریاست‌جمهوری را مطرح کردند. به صورتی که این مساله به مدت کوتاهی مساله اول فضای سیاسی کشور شد! آنها بیش از آنکه به ظرفیت‌های هاشمی فکر کنند، از کابوس دوری از قدرت، ترس داشتند. بخشی از اعضای اولیه کارگزاران که در کمال تعجب هم‌زمان تمایلات راست و چپ‌گرایانه در میان آنها دیده می‌شد، از وزرای دولت مستقر بودند! رهبر حکیم انقلاب اما در آن مقطع، با ورود به این مساله به عضویت غیرقانونی ۱۰ وزیر دولت‌سازندگی در این حزب سیاسی پایان دادند.

مساله جالب در زمینه این حزب اما آن است که با گذشت ۲۲ سال از تاسیس آن، حلقه اصلی شوروی مرکزی آن هنوز هم دست نخورده باقی مانده است. مساله‌ای که خود حرف‌های زیادی می‌زند! اگر کارگزاران را به عنوان نماد تمایل ژن‌های خوب برای حرکت به سوی شکل دادن ساختارهای الیگارشیک تلقی کنیم، باید بپذیریم تفکیک بین چپ و راست در این زمینه، چندان معنادار نیست. با این وجود، کارگزارانی‌ها به عنوان متصلب و ریشه‌دارترین الیگارک‌های حاضر در ساختار جمهوری اسلامی بعدها همگی به چپ غش می‌کنند. مساله‌ای که نشان می‌دهد در منش تکنوکرات‌ها، منافع سیاسی-اقتصادی و ماندگاری در ساختار قدرت، بر هر چیزی ترجیح دارد. مساله آفازادگی و حواشی متعدد پیرامون آن - که در

نگاه امروز

اتکای اصلی نظام جمهوری اسلامی بر مردم است. امروز شاید کمتر تحلیلگر داخلی یا خارجی - حتی معاند- وجود داشته باشد که این گزاره را مطابق واقع نداند و آن را تبلیغات سیاسی تلقی کند. با این حال، معنای این واقعیت را شاید بیش از هر کسی سیاستمداران آمریکایی تجربه کرده باشند! فی‌المثل هیلاری کلینتون پس از پایان دوره وزارتش در دولت اول اواما در پاسخ به سوالی درباره سخت‌ترین پرونده دوران مدیریتش در وزارت خارجه، یک جواب بیشتر ندارد: «Iran». زیرساخت‌های حضور پررنگ مردم ایران در ساحت قدرت بیش از هر چیز در متن قانون اساسی کشور نهاده شده است. منافع شخصی، فامیلی، حزبی و خانوادگی اما همیشه می‌تواند منهدم‌کننده اعتماد، نقش مردم و تمهیدات قانون اساسی باشد. مشکل دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که برخی مسوولان منتخب مردم، احساس کنند ژن‌شان خیلی خوب است! نتیجه روشن چنین تفکری طبیعتاً هجو ساختار مردمی نظام، تشکیل حلقه‌های بسته و نفوذناپذیر قدرت و شکل‌گیری ساختاری الیگارشیک در متن یک نظام مردمسالار خواهد بود.

عدم چرخش نخبان در ساختار قدرت، هرز رفتن استعدادهای و منابع ملی، ویژه‌خواری دائمی الیگارک‌ها- و نزدیکان- و در نهایت تکرار چهره‌های یکسان در دولت‌های مختلف- در پشت و روی پرده- را شاید بتوان مهم‌ترین نمودهای تمایلات شخصی ژن‌های برتر(۱) در این حوزه دانست. در سایه حاکمیت چنین فضای است که بی‌توجه به لزوم چرخش نخبان، اصطلاح «شیخ‌الوزرا» اختراع شده، تقدیس می‌شود و در معادله‌ای واژگونه، نشانه حقانیت افراد هم معرفی می‌شود! دکتر حسن سبحانی، اقتصاددانان شناخته شده کشور، خرداد ماه ۹۲ پس از پیروزی حسن روحانی در انتخابات

سال‌های اخیر رایج شده است - در واقع بخشی از نمودهای نامیمون فرهنگ شکل گرفته دوران سازندگی است. فرهنگی که رانت‌جویی را حق خود تلقی می‌کند و قدرت را نه محل خدمت به مردم که طعمه‌ای برای فریب‌لین منافع عمومی می‌داند. دکتر ابراهیم زراقی، استاد اقتصاد دانشگاه

تهران در تشریح فرهنگ حاکم بر دولت سازندگی می‌گوید: «در این دوره رابطه‌ها بر ضابطه غالب شده بود... هر مدبری به خود اجازه می‌داد با استفاده از رانت، فساد اقتصادی خود و همفکرانش را ادامه دهد. بنابراین پس از مدتی این روال به یک الگوی مدرن مبدل شد، الگوی که دزدی، خیانت و اخلاق بد را در دهه ۷۰ گسترش داد و فساد را زرتگی می‌دانست.» مرور خاطرات مرحوم هاشمی در روز ۱۷ آبان ماه سال ۷۱، سندی تاریخی و مرتبط با بحث را پیش روی ما قرار می‌دهد: «وزیر نفت آمد گفتم به مهدی کار محدودی واگذار شود که مزاحم درس او نباشد. قرار شد در هیأت مدیره سکوها‌های پارس جنوبی باشد!» مهدی هاشمی در آن زمان تنها ۲۳ سال داشت. سن و سال و تجربه اما مهم نبود. مهدی ژن خوبی داشت؛ خیلی خوب!

مهدی البته حالا در اوین است، واقعیتی که شاید بتوان آن را به جنگ قانونی با تخلف ژن‌های خوب تعبیر کرد. دفع ویروس آفازادگی از سیستم اداری نهادهای دولتی و حاکمیتی اما چندان آسان نیست. آفازاده‌های تکنوکرات‌ها و ژن‌های خوب که گهگاه خبری از مدیریت‌های عالی‌هشان در اینجا و آنجا منتشر می‌شود، نیامده‌اند که بروند! آنها نه به این سادگی به زندان می‌روند و نه مدیریت‌های عالی‌ه، رانت‌های اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی را رها خواهند کرد. ظرفیت عظیم قانون اساسی و حق رای مردم البته توانایی انجام همه اینها را دارد، مشروط به اینکه جامعه ابتدا ریشه‌های تاریخی ژن‌های خوب را شناخته باشد!

ادامه دارد...

صادق فرامرزی

یافتن سلاک و ریشه‌های تعیین‌کننده با کمترین مقیاس خطا برای جریان‌شناسی جمهوری اسلامی همواره از موضوعات پر حاشیه دهه‌های اخیر بوده و وجود دهها خط‌کش دوگانه از قبیل چپ و راست، اصلاح‌طلب و اصولگرا، معتدل و رادیکال، سنتی و مدرن، آزادی‌خواه و عدالت‌طلب و... خود گویای نقصان وجود معیاری فراگیر بر این امر بوده است. وجود صدها مثال نغز که می‌تواند تمام این دوگانه‌ها را نقض کند گواهی روشن از ناکارآمدی این تقسیم‌بندی‌هاست. فی‌المثل عیان‌ترین مثال‌های نقض این امر آن است که چگونه جریانی در دهه ۶۰ با عنوان چپ خط امام خود را مقابل راستی که محافظه‌کار خطاب می‌شد، تعریف می‌کرده و در کارنامه‌اش می‌توان به سیاست‌های تند و بعضاً نامعقول در زمینه عدالت اجتماعی، بر خوردهای رادیکال با آزادی همچون پوزن زدن به پیشانی جوانان، لزوم اتحاد با صدام برای شکست آمریکا، افشاسازی رای محرمانه نمایندگان که نظری متفاوت از نظر حضرت امام(ره) داشتند (به این مورد به‌طور ویژه توجه کنید) و... برخورد کرده؛ همین جریان یک دهه بعد حامی سیاست‌های بازار آزاد می‌شود، نامه‌های محرمانه مبنی بر خلع سلاح حزب‌الله لبنان جهت اعتمادسازی با آمریکا را امضا می‌کند و ایستادن مقابل نظرات رهبری را معیار دموکراسی‌خواهی تعریف می‌کند و باز مدتی نمی‌گذرد که از لباس افسراط بیرون آمده و همراه با جریانی که آن را اعتدالگر می‌نامد (و شخص شاخص آن یکی از نمایندگان است که روزی رای مخالف او با نخست‌وزیر وقت را به جرم تضاد با نظر امام(ره) افشا کرده‌اند) به ائتلاف می‌رسد تا اصلاح‌طلبی با محافظه‌کاری، چپ‌گرایی با نئولیبرالیسم، سنت‌گرایی با مدرن‌گرایی و دهها تضاد دیگر به یک نقطه مشترک برسند. این مثال را از جهت جناح مقابل و سایر بازیگران نیز می‌توان به همین نحو ادامه داد و به نتایج مشابه دیگر رسید که همگی در یک چیز اشتراک دارند و آن ضعف در معیارهای دوگانه تقسیم‌بندی جریانات سیاسی معاصر است.

آنچه تا بدین‌جا به آن اشاره شد خیلی‌ها را وادار به آن کرده تا تقسیم‌بندی‌های فوق را کاملاً بی‌اساس تلقی کرده و سخن از وجود دوگانه انقلاب-ضدانقلاب را مطرح کنند. دوگانه‌ای که چند معیار را برای انقلابی بودن تعیین کرده تا نقض و انحراف از هر یک را دلیلی بر ضدانقلاب دانستن جریانی بماند. هر چند این دوگانه می‌تواند در مصادیق صادق باشد اما نمی‌توان انحرافی را هم تبدیل به دلیلی برای ضدیت با انقلاب کرد، چرا که غالب جریان‌ها و بازیگران سیاسی ایران همیشه به‌رغم تفاوت در تفسیرشان مسیر خود را امتدادی از انقلاب تصور کرده و به دفاع از آن پرداخته‌اند. حال با چنین فضایی چگونه می‌توان به تقسیم‌بندی‌ای مفید دست یافت؟ جواب کمی دشوار اما ملموس است، چرا که اگر برای تقسیم‌بندی جریانات کشور با لحاظ کردن وجود جریانی که اساساً «ضدیت» با انقلاب دارد آنچه را که مورد بررسی قرار می‌دهیم جریانی باشد که نه ضدیت بلکه «غیریت» با انقلاب دارد، می‌توان به درکی نسبتاً فراگیر از تقسیم‌بندی‌های موجود رسید.

مساله نسبت موجود میان یک جریان و انقلاب که ممکن است آن را تبدیل به غیرانقلابی (نه ضدانقلابی) کند در خوانشی است که انقلاب اسلامی را تقدیس می‌کند، آرمان‌های آن را قابل دفاع می‌داند و خود را در چارچوب آن تعریف می‌کند اما قائل به مقطعی بودن آن است. این انقلاب فرآیندی ایستا بوده نه ممتد، هدفش تغییر یک ساختار بوده نه طی کردن یک راه و در تعریفی کوتاه، زمان تولد و وفات آن مشخص است. اما در مقابل می‌توان سخن از خوانشی داشت که انقلاب را نه مانند یک زلزله (لحظه‌ای و تأثیرگذار) که همچون یک رود (دائمی و تدریجی) تصور می‌کند. اگر در خوانش اول، انقلاب به نهایت امر عینی و شامل مجموعه‌ای از اعتراضات و مبارزات سرنگون‌کننده است که حاوی حجم عظیمی شور موقت بوده، در خوانش دیگر، انقلاب بیشتر از میوه‌های درختش (همچون ساقط کردن یک نظام) با ریشه‌اش که شامل معنا و مفهوم آن است تعریف می‌شود. در خوانش اول، انقلاب با مقامات شناخته می‌شود (پس ریزش این افراد سقوط انقلاب تفسیر می‌شود) اما...

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir

